

عنوان مقاله:

نگاهی نو به انقلاب نسبت به ماثبه نظریه ای اصولی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره 4، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

بلال شاکری - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی اسلامی، دانشکده الهیات و معرف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

محمدتقی فخلعی - استاد گروه فقه و مبانی اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

محمدحسن حائری - استاد گروه فقه و مبانی اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

خلاصه مقاله:

انقلاب نسبت به عنوان یکی از مباحث مطرح در باب تعارض ادله علم اصول، روشی برای جریان قواعد باب تعارض، در موارد تعارض بیش از دو دلیل است؛ که بر اساس این روش به تمام رابطه ها و نسبت های موجود بین ادله متعارض توجه شده و بر اساس ضوابط و قرائن مشخص، قواعد باب تعارض میان ادله جاری می شود. نوشتار پیش رو با استفاده از روش توصیفی تحلیلی منابع مکتوب اصولی در پی بررسی این نکته است که، آیا انقلاب نسبت به عنوان یک نظریه علمی می تواند شناسایی شده و به مجامع علمی عرضه شود؟ فرضیه تحقیق بر این استوار است که این روش حل تعارض را می توان به عنوان نظریه ای علمی تحت عنوان نظریه انقلاب نسبت در علم اصول شناخت. برای رسیدن به هدف مذکور و اثبات فرضیه تحقیق پس از توصیف نظریه علمی (بیان تعاریف و ویژگی ها) با تحلیل تعاریف های ارائه شده برای نظریه علمی و تاکید بر تعریف نظریه های فقهی و اصولی، و همچنین تحلیل و استخراج ویژگی های مورد پذیرش در نظریه های علمی، به تطبیق تعاریف ارائه شده و ویژگی های مطرح شده بر انقلاب نسبت پرداخته و این نتیجه حاصل شده است که انقلاب نسبت به عنوان یک نظریه علمی در اصول فقه قابل عرضه به جامعه علمی است. لذا در تبیین آن نباید به عنوان یک دیدگاه صرف بدان توجه کرد، بلکه باید همچون یک نظریه به تمام جوانب و جزئیات دخیل در آن توجه داشته و با نگاهی کلان به تحلیل و بررسی آن پرداخت.

کلمات کلیدی:

انقلاب نسبت، نظریه علمی، نظریه اصولی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1542297>

